

اعتبار وحدت افق در تسری ثبوت هلال

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

محمد علی راشدی^۱

دانش اموخته سطح چهار

کد ملی: ۱۸۱۰۱۵۱۳۵۱

محمد اکبری اسحق وندی

کد ملی: ۳۲۴۱۰۵۳۰۷۵

چکیده

یکی از علل اختلاف فقها در بحث ثبوت هلال، اعتبار یا عدم اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال به مکان‌های غیر هم افق می‌باشد. این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است که آیا وحدت افق برای تسری ثبوت هلال به مکان‌های غیر هم افق معتبر است یا برای تسری ثبوت هلال به مکان‌ها غیر هم افق وحدت افق معتبر نیست. که برای رسیدن به چنین مقصودی از پژوهش بر پایه روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات استفاده شده است. و به این یافته رسیدیم که مراد از افق معنای نهایت دید انسان و نقطه‌ای که زمین و آسمان با همدیگر متصل می‌شوند، نیست بلکه مراد نصف النهار مبدا است که مکان‌های که بر یک خط از نصف النهار هستند، هم افق محسوب می‌شوند. و تقسیم بندی جدیدی برای اقوال فقها در مسئله اعتبار یا عدم اعتبار وحدت افق بیان کردیم. علاوه بر این به دلیل اطلاق روایات بینه مفصل پرداختیم. در این نوشتار ابتدا ادله قائلین به اعتبار وحدت افق را در ضمن دو دلیل اطلاق روایات و مقایسه افق ماه با خورشید را بیان کردیم و در ادامه ادله قائلین به عدم اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال را در ضمن دو دلیل بیان کردیم.

واژگان کلیدی: هلال، وحدت افق، اختلاف افق، ثبوت هلال

مقدمه

مردم خیلی از سوالات خود را از پیامبر می‌پرسیدند و قرآن بعضی از این سوالات را مطرح کرده است یکی از سوالاتی که از پیامبر، پرسیده می‌شد درباره هلال است که هلال به معنای شکل گیری قرص ماه، در شب اول ماه قمری یا شب اول تا سوم ماه قمری است (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۶، ص ۱۱) که خدا در قرآن (بقره: ۱۸۹) این سوال را که توسط عده‌ای از مردم پرسیده می‌شد را یادآور می‌شود. در جواب این سوال که چرا مردم از هلال می‌پرسند باید گفت که بعضی از احکام شرعی، متوقف بر ثبوت یا عدم ثبوت هلال است به طوری که اگر ماه ثابت باشد یک سری احکام در حق مکلفین ثابت می‌شود و اگر ثابت نباشد احکام دیگر در حق مکلفین ثابت می‌شود. از جمله این احکام می‌توان به وجوب روزه در اول ماه مبارک رمضان و حرمت آن در روز اول ماه شوال اشاره کرد. مبنای مراجع تقلید در ثبوت هلال، مختلف است. یکی از این مبانی اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال و یا عدم اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال است. به این معنا که وقتی ماه در مکانی دیده شود آیا برای تسری این رویت به مکان‌های دیگر وحدت افق معتبر است و باید دو مکان از حیث افق واحد باشند تا بتوان ثبوت هلال را تسری داد؟ یا اینکه برای تسری ثبوت هلال نیازی به وحدت افق نیست؟ این مسئله در میان فقها متقدم مطرح بوده است که در عبارت شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۲۶۸) قاضی ابن براج در المذهب (ابن البراج، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۹۰)، ابن حمزه در وسیله (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۴۱)، محقق حلی در شرایع (الحلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۴۸) علامه در قواعد (الحلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۸۷) دیده می‌شود. که تا قرن دهم فقها قائل به اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال بوده‌اند. اما بعد از قرن دهم فیض کاشانی (الکاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۱، ص ۱۲۰) نراقی (النراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰ ص ۴۲۴) صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۶، ص ۳۶۱) قائل به عدم اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال شده‌اند. در میان فقها متأخر محقق خوئی (خوئی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۱۱۸) بحث نسبتاً مفصلی مطرح می‌کنند و قائل به عدم اعتبار وحدت افق می‌شوند. مرحوم شاهرودی نیز در این باره مقاله‌ای دارند که در نهایت قائل به عدم اعتبار وحدت افق می‌شوند (ثبوت الشهر برویه الهلال فی بلد اخر، شاهرودی، ۱۸۹-۲۳۸). سبحانی نیز در ضمن مقاله متعرض این مسئله شده

است که در نهایت قائل به اعتبار وحدت افق می‌شوند (وحده الافق و تعدده فی ثبوت رویه الهلال، سبحانی، ۱۰۹) دغدغه نگارنده تعرض به این دیدگاه و بررسی ادله قائلین به عدم اعتبار وحدت افق به صورت مفصل است. مقاله‌ی نیز در تحلیل دیدگاه اتحاد افق، عنایتی راد، ۸۵-۱۰۴) نظریه عدم اعتبار وحدت افق را نقد می‌کند. (تحلیل دیدگاه اتحاد افق، عنایتی راد، ۸۵-۱۰۴) اما این مقاله ساختار مشخصی برای شروع و پایان ندارد. به صورت کلی در مقالات معنای دقیق و روان از افق ارائه نشده است که دغدغه نگارنده در این نوشتار ارائه معنای دقیق و روان از افق ذکر می‌شود، و بیان تفاوت میان معنا لغوی و اصطلاحی در افق مورد بررسی قرار می‌گیرد، و همچنین تقسیم بندی جدیدی برای اقوال فقها در این زمینه ذکر می‌شود. علاوه بر این استفاده از اطلاعات ادله بینه برای عدم اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال، به صورت مفصل بررسی می‌شود. در این نوشتار ابتدا معنای افق آورده می‌شود و سپس به اقوال فقها در این زمینه پرداخته می‌شود. و در ادامه ادله قائلین به اعتبار وحدت افق را در ضمن دو دلیل اطلاق روایات رویت و قیاس افق ماه با خورشید بررسی می‌شود. و در نهایت ادله قائلین به عدم اعتبار وحدت افق برای تسری هلال را نیز در ضمن دو دلیل آورده می‌شود.

بخش اول: ورود مجتهد به ثبوت هلال

شکی در این نیست که بیان و استنباط احکام شرعی فرعی، شان فقیه و صرفاً وظیفه مجتهدین است اما تشخیص موضوعات احکام شرعی بر عهده مکلف است و این جمله که تشخیص موضوع با مکلف است معروف و مشهور است به عبارتی مجتهد تنها حکم که عبارت اخری محمول است را بیان می‌کند اما تشخیص موضوع با مکلف است. ثبوت هلال هم موضوع برای احکام شرعی است، در نتیجه باید تشخیص آن به عهده مکلف باشد، به عبارت دیگر اینکه امروز اول ماه شوال یا اول ماه مبارک رمضان است به عهده مکلف باید باشد چون شبهه موضوعیه است مجتهد تنها حکم را بیان می‌کند که اگر اول ماه مبارک رمضان است روزه واجب و اگر اول ماه شوال است روزه گرفتن حرام می‌باشد. اما در خیلی از موارد از جمله بحث ثبوت هلال می‌بینیم که خود مجتهدین و مراجع به تشخیص موضوع ورود می‌کنند و تشخیص موضوع را بر عهده می‌گیرند. دلیل و سر مطلب این است که موضوعات احکام شرعی سه قسم هستند قسم اول: موضوعات کلی مستنبطه، قسم دوم: موضوعات کلی عرفی و

قسم سوم: موضوعات تخصصی و کارشناسی است (بررسی منطق موضوع شناسی فقه سنتی در موضوعات مستحدثه، سعیدی ابواسحاقی، ص ۷). بسیاری از فقها تحقیق و تشخیص موضوعات مستنبطه را به دلیل اینکه رابطه نزدیک و تنگاتنگی با احکام شرعی دارند آنها را از وظایف فقیه می‌دانند (انصاری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۳). بحث ثبوت هلال اگر چه از موضوعات خارجی می‌باشد اما اختلاف چندانی با موضوعات کلی مستنبطه ندارد چرا که عدم ورود به این بحث از جانب مراجع تقلید باعث حیرت و سرگردانی برای مکلف و تشتت و اختلافات فراوانی در جامعه می‌شود، همین امر باعث می‌شود که خود مجتهدین و مراجع به تشخیص ثبوت یا عدم ثبوت هلال ورود کنند. اما خود مراجع نیز به دلیل داشتن مبانی مختلف در خیلی از جاها دیده می‌شود که در یک کشور یا دو کشور هم جوار اختلاف در روز اول ماه مبارک و همچنین در روز اول ماه شوال می‌شود به طوری که بعضی روزه هستند و بعضی هم همان روز را اول ماه شوال و عید می‌دانند.

بند اول: تعریف هلال

لغوین هلال (به کسر هاء)، را به معنای ماه جدید و نو نامیده اند که همان ماه شب اول است البته ممکن است به ماه شب دوم و سوم نیز هلال بگویند. در برخی از کتب لغوی آمده که تا شب هفتم به ماه هلال می‌گویند. بعد از این مدت دیگر به آن هلال نمی‌گویند بلکه آن را ماه می‌نامند و تعبیر به ماه می‌کنند. در وجه تسمیه آمده که به این دلیل به آن هلال می‌گویند که وقتی مردم آن را می‌بینند صدای خود را برای خبر دادن از آن بلند می‌کنند (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۶، ص ۱۱) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۷۰۲).

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: «بدلیل بلند شدن صدای مردم به ذکر و تکبیر و تهلیل و اشاره کردن به آن هنگام دیدن ماه، به آن هلال می‌گویند» (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ج ۴، ص ۱۵۴). از این وجه تسمیه معلوم است که این بلند شدن صدا نهایتاً تا شب سوم ادامه دارد و بعد از آن عادی می‌شود به همین دلیل بعد از این مدت به آن هلال نمی‌گویند. به صورت کلی ۵ حالت می‌توان برای ماه بیان کرد: ۱- محاق: ماه از خود نوری ندارد بلکه نور خود را از خورشید می‌گیرد وقتی که ماه تحت الشعاع خورشید باشد ما نمی‌توانیم آن را ببینم چون سمتی که از ماه به طرف زمین است تاریک است و دیده نمی‌شود. در نتیجه در صورتی که تحت الشعاع است به

طوری که دیده نشود از آن به محاق تعبیر می‌شود. ۲- هلال: ماه کم کم حرکت می‌کند و از تحت الشعاع بودن خارج می‌شود تا جای که قابل رویت باشد که در اینصورت از آن به هلال تعبیر می‌شود همانطور که اهل لغت گفتند تا شب سوم به آن هلال گفته می‌شود. ۳- تربیع اول: ماه کم کم چاق می‌شود تا اینکه به شب هفتم برسد که در این موقع ماه را به صورت نیم دایره می‌بینیم به این حالت تربیع اول می‌گویند. ۴- بدر: بعد از شب هفتم ماه حرکت میکند تا اینکه به شب ۱۴ برسد که تمام قرص ماه دیده می‌شود که از آن به بدر تعبیر می‌شود. ۵- تربیع ثانی: بعد از شب چهاردهم دوباره ماه حرکت می‌کند و کم کم لاغر می‌شود تا در شب ۲۱ به تربیع ثانی برسد یعنی دوباره ماه به شکل نیم دایره در می‌آید و بعد دوباره حرکت می‌کند تا اینکه در آخر ماه دوباره در محاق قرار می‌گیرد (نوری همدانی، ۱۳۸۸، ۵، مهر، خارج فقه).

محقق خوئی برای تحقق هلال دو شرط بیان می‌کند شرط اول اینکه از تحت خورشید خارج شود ثانیاً اینکه این خروج از تحت خورشید باید به مقدار و حدی باشد که قابل رویت باشد (خوئی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۸).

بند دوم: وحدت یا اختلاف افق

اگر هلال در یک مکانی دیده شود، مطمئناً هلال نسبت به آن مکانی، که هلال در آن دیده شده است، ثابت می‌شود. که اگر هلال ماه مبارک رمضان باشد روزه واجب می‌شود و اگر هلال ماه شوال باشد، روزه حرام است. مکان‌های دیگر در مقایسه با مکانی که در آن هلال دیده شده است، یا هم افق هستند یا غیر هم افق‌اند. نسبت به مکان‌های هم افق، همه متفق‌اند که باید ثبوت هلال را برای این مکان‌های هم افق هم تسری داد و قائل به ثبوت هلال شد. اما اختلاف در جای است که مکان‌ها دیگر نسبت به مکانی که هلال در آن رویت شده است هم افق نباشند بلکه دارای افق‌های مختلفی باشند. بعضی از فقها قائل به تسری ثبوت هلال به مکان‌های غیر هم افق شده‌اند (النراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰ ص ۴۲۴) و بعضی دیگر قائل به عدم تسری ثبوت هلال به مکان‌های غیر هم افق شده‌اند (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۰). در جواب از این سوال که آیا می‌توان ثبوت هلال را به مکان‌های دیگر تسری داد یا نه؟ باید دید که فقیه برای تسری به مکان‌های دیگر، وحدت افق را معتبر می‌داند که از این به اعتبار وحدت افق برای تسری ثبوت هلال تعبیر می‌شود. یا اینکه فقیه وحدت افق را برای تسری ثبوت هلال

معتبر نمی‌داند و در نتیجه به محض رویت هلال در مکانی برای همه مکان‌ها چه هم افق چه مختلف الافق ثابت می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که یکی از علل مهم اختلاف فقها در اینکه هلال ثابت است و یا اینکه هلال ثابت نیست، قائل شدن به اعتبار وحدت افق و یا قائل شدن به عدم اعتبار وحدت افق است، چرا که یکی از ملاک مهم در تشخیص ثبوت هلال و یا عدم ثبوت هلال، همین مبنا می‌باشد اینکه دیده می‌شود فقیهی قائل به ثبوت هلال شوال می‌شود و فقیهی دیگر نسبت به همان روز قائل به عدم ثبوت هلال شوال می‌شود و روز آخر ماه مبارک رمضان می‌داند، یکی از علل این اختلاف می‌تواند همین مسئله اعتبار وحدت افق یا عدم اعتبار وحدت افق باشد.

بند سوم: معنای افق

اهل لغت و لغویین افق را به معنای آن نقطه و ناحیه‌ی که از زمین و آسمان آشکار و ظاهر است معنا کرده‌اند (طریحی، ۱۳۶۲ ش، ج ۵، ص ۱۳۵) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۵). در معنای اصطلاحی بعضی از فقها، افق را به نهایت دیدن انسان متعارف که حدودا دویا سه کیلومتر است می‌دانند که در این نهایت آسمان بر زمین منطبق می‌شود (صدر، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۵۳). به عبارت دیگر آخرین نقطه‌ی که شخص می‌بیند که در آن نقطه زمین و آسمان در یک نقطه با همدیگر مماس می‌شوند که این همان نهایت دید انسان است که می‌توان گفت حدودا ۲ الی ۳ کیلومتر می‌باشد، شخص این جهات را در اطراف خود را، همانند دایره‌ای می‌بیند که به این افق می‌گویند. اگر هلال پایین تر از این افق باشد قابل رؤیت نیست و اگر بالاتر باشد قابل رؤیت است. اما مطمئنا چنین معنای در بحث ما مراد نیست. چون اگر چنین معنای از افق را قبول کنیم معنایش این است که هر کجا ماه دیده شد نهایتا برای مکان‌های که چند کیلومتر با این مکان فاصله دارند فقط ماه ثابت می‌شود. در نتیجه مراد فقها از افق در ما نحن فیه چیز دیگری است و آن این است که اگر کره زمین را گرد تصور کنیم، خطی که این گردی را به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم می‌کند را خط استوا می‌گویند که این خط از شرق به غرب است. و خطی که این گردی را به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌کند نصف النهار مبدا می‌کند که این خط از شمال به جنوب است. افتاب از شرق به طرف غرب حرکت می‌کند وقتی که به خط نصف النهار که تقسیم کننده کره زمین به بخش شرقی و غربی است

برسد، در آن منطقه روز به دو نیمه تقسیم شده است و نصف روز گذشته و نصف دیگر آن باقی ماند است. مراد از وحدت افق یعنی مکان‌های که نصف النهار آنها یکی است یعنی مکان‌های که در راستای یک خط از خطوط می‌باشد به همین دلیل ممکن است در عین اینکه مکانی در جنوب و دیگری شمال باشد اما از نظر خط نصف النهار در یک راستا باشند و هم افق به حساب بیایند حالا کمی بالاتر یا پایین‌تر باشد هم، هم افق به حساب می‌آیند.

بخش دوم: اقوال در وحدت و تعدد افق

محقق خوئی در تحریر محل نزاع دو قسم مطرح می‌کند، می‌فرماید:

«شهرها از حیث افق دو قسم اند: قسم اول: متحد یا قریب الافق اند. قسم دوم: مختلف الافق اند» علاوه بر این دو قسم، قسم سومی نیز قابل طرح است: اینکه مکان‌ها هم افق نباشند اما از حیث دیدن هلال با همدیگر ملازمه دارند به طوری که اگر در یک مکان دیده شود باید در مکان دیگر در عین اینکه مختلف الافق هستند دیده شود. مثلاً اگر مکانی در شرق باشد و مکان دیگر در غرب باشد و با همدیگر هم افق نباشند اما دیدن هلال در شرق ملازمه دارد با دیدن آن در غرب است که در اینجا حکم به ثبوت هلال در منطقه غربی می‌شود. مرحوم خوئی نسبت به قسم اول و دوم می‌فرماید: «نسبت به مکان‌های هم افق، اگر ماه در یکی از مکان‌های هم افق دیده شود، نسبت به مکان دیگر نیز ثابت است. اما نسبت به مکان‌های مختلف الافق مرحوم خوئی قائل به این هستند که برای فقها متقدم جز شیخ طوسی این مسئله مطرح نبوده است و برای قدام این مسئله مسکوت عنه بوده است» (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۷۹).

الف _ بررسی نظر فقهای متقدم

بررسی عبارات فقها خلاف نظر محقق خوئی را بیان می‌کند و چیزی دیگری را نشان می‌دهد و مسئله اتحاد یا اختلاف افق نزد فقهای متقدم مسکوت عنه نبوده است، و می‌توان گفت که قدامی از فقها امامیه قائل به اعتبار وحدت افق شده اند و حکم ثبوت هلال را به مکان‌های مختلف الافق تسری نمی‌دانند از جمله شیخ طوسی می‌فرماید: «اگر هلال در بیرون از مکان دیده شود اما در خود مکان دیده نشود در صورتی که از حیث افق متقارب باشند، عمل به این رویت برای اهالی مکان واجب است. اما اگر مکان‌ها دور از هم باشند مانند بغداد و خراسان هر کدام از مکان‌ها جدای از همدیگر هستند و باید در هر کدام از این دو مکان هلال جداگانه

دیده شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۸). این عبارت شیخ گویای این است که ایشان قائل به عدم تسری ثبوت هلال به مکان‌های دیگر هستند. فقهای دیگری همچون قاضی ابن براج در المذهب (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۰)، ابن حمزه در وسیله (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۱)، محقق حلی در شرایع (الحلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸) علامه در قواعد (الحلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۸۷) همه قائل به این هستند که اگر مکان‌ها به همدیگر نزدیک باشند، واجب است که به ثبوت هلال عمل کنند به این معنا که اگر در یک مکان دیده شد برای مکان دیگر نزدیک و هم افق هم، هلال ثابت است اما اگر از همدیگر دور باشند باید در هر کدام به صورت جداگانه ماه دیده شود و نمی‌توان دیدن ماه در یک مکان به مکان مختلف الافق تسری داد. این نظریه تا قرن دهم هجری مخالفی نداشت. اولین کسی که قائل به عدم اعتبار وحدت افق برای تسری هلال شد، مرحوم فیض کاشانی است مرحوم فیض بعد از ذکر روایت «فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه» می‌فرماید: «الظاهر أنه لا فرق بين أن يكون ذلك البلد المشهود برؤيته فيه من البلاد القريبة من هذا البلد أو البعيدة منه لأن بناء التكليف على الرؤية» (الکاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۰). ظاهراً فرقی نمی‌کند که مکانی که در آن هلال رویت شده است از مکان‌های نزدیک باشد یا از مکان‌های دور باشد چون مهم رویت است. این عبارت به مکانی که هلال در آن دیده می‌شود اهمیت نداده است در نتیجه این عبارت صریح در عدم اعتبار وحدت افق برای تسری رویت هلال به مکان‌های دیگر است. بعد از مرحوم فیض، صاحب مستند الشیعه مرحوم نراقی قائل به عدم اعتبار وحدت افق شدند ایشان می‌فرماید: «ثم الحق - الذي لا محيص عنه عند الخبير - كفاية الرؤية في أحد البلدين للبلد الآخر مطلقاً، سواء كان البلدان متقاربين أو متباعدين كثيراً» (النراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰ ص ۴۲۴). حق این است که رویت در یک مکان برای مکان‌های دیگر چه نزدیک و چه دور کفایت می‌کند. و این عبارت نشان از عدم اعتبار وحدت افق برای تسری هلال می‌باشد.

ب- بررسی نظر فقهای متأخر

در بین متأخرین دو قول هست:

قول اول (مشهور): اینکه همانند قائل به این هستند که، در مکان‌های مختلف الافق نمی‌توان حکم به تسری داد بلکه در هر کدام از مکان‌ها مختلف الافق باید هلال رؤیت شود. از این نظر به اعتبار وحدت افق تعبیر می‌شود (الیزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۶۳۱).

قول دوم (این قول سیزده قائل دارد) (شیری، ۱۳۸۹، ۲۶ دی، خارج فقه). _ اینکه حتی در مکان‌های مختلف الافق هم با دیدن ماه در منطقه‌ی می‌توان به مکان‌های مختلف الافق حکم ثبوت هلال را تسری داد از جمله قائلین به این قول مرحوم صاحب جواهر هستند ایشان این حرف را به صورت مطلق بیان می‌کنند به این معنا که هلال در هر نقطه‌ی از جهان که دیده شود برای همه مکان‌ها ثابت می‌شود و عمل به احکام رؤیت واجب است (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۶، ص ۳۶۱). اما مرحوم خوئی می‌فرماید: «در مکان‌های می‌توان حکم به ثبوت و تسری هلال داد که در شب با هم مشترک باشند حتی اگر اشتراک به این صورت باشد که در منطقه‌ی اول شب و در مکان دیگر آخر شب باشد مهم اشتراک در شب است» (الخوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱ ص ۲۷۹).

• ادله قول اول

دلیل اول: روایات

تقریر اول: روایات با مضمون «صم للرؤية و افطر للرؤية» (الحر العاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۲)، در حد استفاضه می‌باشند. ظاهر این روایات این است که تنها راه ثبوت حلول یا پایان ماه قمری رؤیت هلال است و لا غیر. به عبارت دیگر این روایات گویا به صورت انحصاری، فقط رؤیت را به عنوان راه اثبات هلال می‌دانند، روایت می‌گوید شفافیت یک راه دارید برای اینکه ثابت کنید ماه قمری شروع یا تمام شده است و آن راه هم دیدن هلال است و ما راه دیگری نداریم. این به عنوان اصل و قاعده کلیه است که راه اثبات حلول یا پایان ماه قمری، رؤیت هلال است اما یک سری دلیل داریم که از تحت این انحصار و قاعده کلیه خارج می‌شویم مانند اینکه دو شاهد عادل بر رویت هلال شهادت بدهند یا اینکه سی روز از اول ماه بگذرد. ادله شهادت دادن دو شاهد عادل و گذشت سی روز هم، ظهور یا انصراف به ثبوت هلال در همان مکان یا مکان‌های هم افق دارد نه مکان‌های مختلف الافق. در نتیجه اینکه

بخواهیم هلال را برای مکان‌های مختلف الافق ثابت کنیم خلاف این روایات است و برای خروج از انحصار رویت باید دلیل داشته باشیم، که دلیلی نداریم.

جواب: می‌گوییم روایات می‌گوید «صم للروثیه و افطر للروثیه» این رویت اطلاق دارد و اطلاق آن از دو جهت است. جهت اول: اینکه چه خود شخص ببیند یا اینکه در مکان افراد دیگری ببیند یا اینکه بینه اقامه شود که هلال رویت شده است، در این صورت هلال ثابت می‌شود. جهت دوم: اینکه روایات از حیث اینکه هلال در خود مکان دیده شود یا در مکان‌های دیگر دیده شود مطلق است. در نتیجه نمی‌توان این رویت را مقید به رویت در درون خود مکان یا مکان‌های هم افق کرد بلکه مطلق است و اطلاق آن عدم اعتبار وحدت افق را برای تسری ثبوت هلال را می‌رساند.

دلیل دوم: قیاس افق ماه با افق خورشید

علم ثابت کرده که زمین کروی است و کروی بودن زمین یک امر حسی است از جمله مثال‌های حسی که برای کروی بودن زمین بیان شده است اینکه اگر کشتی در دریا حرکت کند و کم کم از کنار ما دور شود هر چقدر دورتر شود کمتر دیده می‌شود تا اینکه بالاترین جای کشتی هم از دید محو شود یا در موقع آمدن ابتدا قسمت کمی از کشتی دیده می‌شود اما هر چقدر که به ساحل نزدیک می‌شود حجم بیشتری از کشتی دیده می‌شود تا اینکه کل کشتی دیده شود در نتیجه زمین کروی است و این کروی بودن زمین باعث می‌شود که طلوع هلال متعدد شود به این معنا که در یک نقطه‌ی طلوع کند اما در نقطه‌ی دیگر طلوع نکند و معنا ندارد که بگوییم که هلال بر همه زمین طلوع می‌کند به این معنا که در هر نقطه‌ی از کره خاکی دیده شود، حکم به ثبوت هلال برای همه مکان‌های شود. این دلیل بیشتر در قیاس ماه با خورشید بیان شده است مستدلین وقتی خورشید را ملاحظه کرده اند دیدن که نمی‌توان طلوع خورشید در مکانی را دلیل بر طلوع خورشید در مکان‌های دیگر دانست در ماه هم چنین نظری بیان کرده اند. به عبارت دیگر اگر ما در خورشید قائل به عدم اتحاد افق بشویم لازمه اش این است که زمانی که مثلاً در ایران نماز صبح می‌شود در کشورهای دیگر هم مردم بتوانند نماز صبح بخوانند و این لازمه باطل است پس همانطور که در خورشید نمی‌توانیم چنین حرفی بزنیم در طلوع ماه هم نمی‌توان چنین حرفی زد و برای ثبوت هلال باید در همان نقطه و

همان افق دیده شود و ثبوت هلال در افق دیگر نمی‌توان دلیل بر ثبوت هلال در افق دیگر بشود (وحده الافق و تعدده فی ثبوت الهلال، سبحانی، ۱۰۹).

• ادله قول دوم

دلیل اول: تفاوت در افق خورشید و ماه

این دلیل ناظر به استدلال قول اول است، در قول اول برای اعتبار وحدت افق و عدم تسری به افق‌های مختلف، افق ماه را با افق خورشید مقایسه کرده‌اند. محقق خوئی می‌فرماید که: ماه‌های قمری براساس حرکت ماه است بر خلاف ماه‌های شمسی که براساس حرکت خورشید است. در ماه‌های قمری براساس حرکت ماه و استقرار ماه در مکان خاصی نسبت به خورشید شروع می‌شود و پایان ماه‌های قمری، پایان حرکت طبیعی ماه می‌باشد. در حرکت پایانی، ماه تحت الشعاع خورشید قرار می‌گیرد که این تحت الشعاع قرار گرفتن را محاق می‌نامند. تا وقتی که ماه در حالت محاق و تحت الشعاع خورشید است برای هیچ نقطه‌ی از کره خاکی قابل رؤیت نیست اما با انتها ماه قمری، ماه از حالت محاق خارج می‌شود و با این خروج از حالت محاق ماه قمری جدید شروع می‌شود. وقتی ماه از حالت محاق خارج شد برای همه مکان‌ها و نقاط کره خاکی چه متحد الافق چه مختلف الافق قابل رؤیت می‌باشد، البته باید توجه داشت که باید این نقاط خاکی در شب بودن مشترک باشند. اینکه گفته می‌شود که با خروج از محاق برای همه نقاط کره خاکی دیده می‌شود به این دلیل است که ماه یک خروج از محاق بیشتر ندارد و نمی‌توان خروج از محاق را به تعدد افق متعدد بدانیم اما خورشید به تعدد مکان‌ها تعدد طلوع دارد. این دلیل قیاس افق خورشید را با افق ماه راباطل و یک قیاس مع الفارق می‌داند. علاوه بر این اگر قرار خورشید با ماه مقایسه شود باید در شروع بین ماه شمسی و قمری مقایسه شود (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۰).

دلیل دوم: تمسک به روایات

الف_ اطلاق ادله بینه

در باب بینه روایات داریم که می‌گویند بینه مطلقاً حجت است به این معنا که دو شاهد چه از مکان هم افق باشند چه از مکانی باشند که با مکان شما مختلف الافق باشد. اما در هر صورت اگر شهادت به رویت هلال بدهند بر شما حجت است و این به معنای عدم اعتبار وحدت افق

برای تسری ثبوت هلال به مناطق و مکان‌های دیگر است. از باب نمونه به چند روایت اشاره می‌کنیم.

روایت اول: ۱ - محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، وعن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد جمیعاً، عن ابن أبی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبی عبدالله علیه السلام آن علیا علیه السلام کان یقول: لا أُجیز فی الهلال إلا شهادة رجلین عدلین (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰ ص ۲۸۶).

تقریر: امام می‌فرماید: "شهادة رجلین عدلین" شهادت دو مرد برای ثبوت هلال کفایت می‌کند. اعتبار شهادت این دو مرد منوط به هم افق بودن دو مکان نشده است پس روایت مطلق است و شامل شهادت دو مرد از مکان هم افق و مختلف الافق می‌شود.

روایت دوم: ۳ - وعن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: لا تجوز شهادة النساء فی الهلال، ولا یجوز إلا شهادة رجلین عدلین (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷).

تقریر: این روایت همانند روایت قبل است که در آن به شهادة رجلین عدلین تعبیر شده است که این عبارت اطلاق دارد.

روایت سوم: عن صفوان عن منصور بن حازم، عن أبی عبدالله علیه السلام أنه قال: صم لرؤیة الهلال وأفطر لرؤیته، فإن شهد عندكم شاهدان مرضیان بأئهما رأیاه فاقضه (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷).

تقریر: در این روایت امام می‌فرماید: شهد عندكم شاهدان مرضیان اینکه این شاهدان برای چه مکانی باشد بیان نشده است در نتیجه این روایت اطلاق دارد.

اشکال

اشکالی که به این روایات شده است گفتند که: در زمان صدور روایات ممکن نبود که شخص بتواند از مکان‌های مختلف الافق و دور، در مدت زمان یک روز خودش را به مکانی دیگر برساند پس این روایات می‌گوید اگر دو شاهد، شهادت بدهند اما این دو شاهد مطمناً از مکان‌های نزدیک آمده‌اند چون ممکن نیست که از مکان‌های دور بیایند و بگویند که ما دیشب هلال را دیدیم و امروز اول ماه مبارک است و باید قضا بکنید.

جواب: بله ممکن نیست که از مکان‌های دور خودشان را به مدت زمان یک روز برسانند اما فرض دیگری برای روایات قابل تصور است و اینکه اینها آخر ماه به مکان دیگری رسیده باشند و بگویند ۳۰ روز از دیدن هلال ماه شعبان گذشته است و امروز اول ماه مبارک بوده است پس باید این روز را روزه بگیرد در نتیجه با اینکه هم افق نیستند و از مکان‌های دوری آمده اند اما شهادت آنها به رویت هلال در ۳۰ روز گذشته حجت است. و این یعنی در تسری ثبوت هلال به مکان‌های دیگری وحدت افق معتبر نمی‌باشد.

ب _ روایات خاص

روایت اول: (۱۳۳۸۱) ۱۳ - عن هشام بن الحكم، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال فيمن صام تسعة وعشرين قال: آن كانت له بينة عادلة على أهل مصر أنهم صاموا ثلاثين على رؤيته قضى يوماً (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۶۵)

روایت می‌فرماید که: دیدن هلال در مکانی (اهل مصر) برای تمام مکان‌ها کفایت می‌کند اگر چه در مکان‌های دیگر مانعی از قبیل ابر و... برای رویت هلال نباشد. در اینکه این مکان‌ها هم افق باشند یا مختلف الافق باشند روایت مطلق است و هیچ گونه تقییدی نشده است. مصر به صورت نکره آمده یعنی از یک مکانی باشد که نکره مفید عموم است و شامل مکان هم افق و غیر هم افق می‌شود.

روایت دوم: صحیحہ ابی بصیر عن ابی عبد الله عليه السلام انه سئل عن اليوم الذي يقضى من مكان رمضان فقال: لا تقضه الا آن يثَّ شاهدان عدلان من جميع اهل الصلاة متى كان رأس الشهر. و قال: لا تصم ذلك اليوم الذي يقضى الا آن يقضى اهل الامصار، فان فعلوا فصمه (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰ ص ۲۹۳)

تقریر: محقق خوئی نسبت به این روایت می‌فرماید که دلالت این روایت بر عدم اعتبار وحدت افق نسبت به همه روایات دیگر واضح تر می‌باشد و به اوضح من الجميع تعبیر می‌کنند. محل اول استشهد «الا آن يشهد شاهدان عدلان من جميع اهل الصلاة» محقق خوئی می‌فرماید در عبارت جميع اهل الصلاة دلالت واضحی بر عدم اختصاص به مکانی دون مکان دیگر دارد بلکه این حکم عام برای تمام مسلمین در تمام مکان‌ها در عین اختلاف و اتفاق در افاق است.

به عبارت دیگر روایت می‌گوید اگر بینه‌ی بر رویت هلال در هر مکانی از مکان‌های اهل صلات ثابت شود این اهل صلات چه در مکانی باشند که با مکان شما هم افق باشد چه مختلف الافق باشد در اینصورت این رویت هلال برای شما حجت است و باید قضای روز اول ماه مبارک را که روزه نگرفته‌ای بجا بیاورید. و محل استشهاد دوم عبارت «الا ان یقضی اهل الامصار» امصار جمع است یعنی در مکانی اگر دیدید که روزه قضا را گرفته‌اند شما هم بگیرید و این به معنای این است که اگر هلال برای آنها ثابت شد برای شما هم چه هم افق آنها باشید چه مختلف الافق باید روزه بگیرید.

روایت سوم: (۱۳۳۴۷) ۹ - عن عبدالرحمن بن ابي عبدالله قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن هلال مكان رمضان يغم علينا في تسع وعشرين من شعبان؟ فقال: لا تصم إلا آن تراه، فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۵۴).

روایت چهارم: (۱۳۴۱۲) ۳ - عن إسحاق بن عمار، قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن هلال رمضان يغم علينا في تسع وعشرين من شعبان؟ فقال: لا تصمه إلا آن تراه، فإن شهد أهل بلد آخر أنهم رأوه فاقضه، وإذا رأيته من وسط النهار فأتم صومه إلى الليل (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۷۸).

تقریر دو روایت: این دو روایت از حیث سند، صحیح هستند و مشکل سندی ندارد. شخص سوال می‌کند که در روز ۲۹ ماه شعبان هلال ماه مبارک رمضان بخاطر اب بر ما اشتباه شد و ماه را ندیدیم، چکار کنیم؟ امام می‌فرماید: روزه نگیر مگر اینکه هلال را ببینی. اگر اهل مکانی دیگری شهادت دادند که ماه را دیده‌اند، قضا کن. محل استشهاد در هر دو روایت «اهل بلد آخر» است که این مطلق است و اطلاق دارد که این اهل بلد آخر هر مکانی را چه دور و چه نزدیک را در بر می‌گیرد و روایت مقید به اینکه اهل بلد قریب ببینند نیست. پس مدلول روایت این است که اگر در یک مکانی ماه دید شد و اهل آن مکان شهادت دادند هلال برای اهل این بلد هم ثابت می‌شود. در نتیجه مستدلین به این روایات قائل به اطلاق این روایت هستند.

نتیجه گیری

باید گفت که موضوعات احکام شرعی سه قسم هستند که یک قسم از آنها موضوعات مستنبطه هستند که تشخیص موضوع در این قسم با مجتهد است و ثبوت هلال نیز از این موضوعات

مستنبطه است و به همین دلیل مجتهد به بحث ثبوت هلال ورود می‌کند. همچنین به این رسیدیم که مراد از افق در این مسئله، نصف النهار بودن است و در نتیجه به کشورهای که در راستای یک خط نصف النهار هستند، هم افق گفته می‌شود و معنای معروف از افق در اینجا مراد نیست. برای قرص ماه ۵ حالت بیان کردیم که عبارتند از محاق، هلال، بد، تربیع اول و تربیع ثانی. در این نوشتار تقسیم جدیدی برای اقوال فقها نسبت اعتبار یا عدم وحدت افق بیان کردیم.

منابع و مأخذ

۱. انصاری (شیخ اعظم) مرتضی، «مجموعه رسائل فقهیه و اصولیه»، بی‌جا، کتابخانه مفید، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور محمد بن مکرم، «لسان العرب»، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن فارس احمد، «معجم مقاییس اللغة»، تحقیق: محمد هارون عبدالسلام، بی‌جا، دارالفکر، قم، ۱۳۹۹ق
۴. الحلّی (المحقق الحلّی) شیخ نجم الدین، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، چاپ دوم، استقلال، تهران، ۱۴۰۹ق.
۵. الحلّی (علامه حلّی) بن مطهر، «قواعد الاحکام»، چاپ اول، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۶. الحر العاملی محمد بن الحسن، «وسائل الشیعه»، چاپ اول، موسسه اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۷. الخوئی ابوالقاسم، «کتاب الصوم»، تالیف: بروجردی مرتضی، بی‌جا، لطفی، قم، ۱۳۶۴ش.
۸. الخوئی ابوالقاسم، «منهاج الصالحین»، چاپ ۲۸، مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ق.
۹. سعیدی ابواسحاقی محسن، «بررسی منطق موضوع شناسی فقه سنتی در موضوعات مستحدثه»، دو فصلنامه علمی _ تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال چهارم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ص ۱۲۷-۱۴۷
۱۰. سبجانی جعفر، «وحده الافق وتعدد فی رویه الهلال»، نشریه فقه اهل بیت، سال دهم، شماره ۴۰، ۱۴۲۶ق، ۹۵-۱۲۲
۱۱. شبیری زنجانی سید موسی، درس خارج فقه، مدرسه فقهات (<https://www.eshia.ir>)، ۲۶ دی ۱۳۸۹
۱۲. صدر محمد باقر، «ماوراء الفقه»، بی‌جا، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۲۱ق
۱۳. طریحی فخر الدین، «مجمع البحرين»، چاپ دوم، انتشارات مرتضوی، قم، ۱۳۶۲ش.

۱۴. الطرابلسی (القاضی) ابن البراج، «المهذب»، چاپ اول، موسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۵. الطوسی ابن حمزه، «الوسيله الى نيل الفضيله»، تحقيق: حسون محمد؛ مرعشی محمود، چاپ اول، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۶. الطوسی (شیخ الطائفه) ابوجعفر محمد بن حسن، «تهذيب الاحکام»، چاپ چهارم، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۷. طوسی (شیخ الطائفه) ابوجعفر محمد بن حسن، «المبسوط فی فقه الاماميه»، چاپ سوم، کتابخانه مرتضويه، تهران، ۱۳۸۷ق.
۱۸. عنایتی راد محمدجواد، «تحليل دیدگاه اتحاد افق»، نشریه فقه و اصول، شماره ۹۴، پاییز ۱۳۹۲، ۸۵-۱۰۴
۱۹. کاشانی فیض، «الوافی»، مصحح: ضیاء الدین حسینی، چاپ اول، کتابخانه امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۲۰. النراقی مولی احمد، «مستند الشيعه»، چاپ اول، موسسه ال البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۱. نجفی جواهری محمد حسن، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲ش.
۲۲. یزدی سید محمد کاظم، «العروه الوثقی»، چاپ اول، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۰ق.